



نقد و بررسی دیدگاه های مفسران در باره آیه ۷۱ سوره مریم

پیروزی، سهیلا^۱

براتی، زینب^۲

چکیده:

آیه ۷۱ سوره مریم «إِنَّ مِنْكُمْ أَلَاءَ ...» است که مفسران در باره آن دیدگاه های مختلفی را بیان کرده اند، چالش اصلی این آیه، تعیین مخاطبان در "منکم" است. بسیاری از مفسران، همه جن و انس و برخی دیگر، با تکیه بر روایاتی همه انسانها را مخاطب آیه، و «وارد» را در معنای اشراف و قرب و دخول دانسته اند. در نتیجه ورود همه، اعم از مؤمنان و خطاکاران به جهنم را، حتمی می دانند، اما این نظر با آیات دیگر متعارض است؛ برخی فقط منکران معاد و کفار را مخاطب دانسته اند که با دیدگاه بسیاری از مفسران و روایاتی که اشاره به ورود همه انسانها به جهنم دارند، ناسازگار است. از این رو، واکاوی مجدد آیه برای رفع تعارض، مطرح و کشف مراد الهی ضرورت می یابد. به نظر می رسد بی توجهی به آیات هم مضمون و ناتوانی در درک سیاق آیات، باعث بروز دیدگاه های متفاوت شده است. این نوشتار با روش تطبیقی-تحلیلی، پس از بررسی دیدگاه ها در تفاسیر فریقین، با استناد به دیگر آیات قرآن و بهره گیری از سیاق، نشان داده است که آیات، مردم را در قیامت به دو دسته تقسیم و سرنوشت هر دسته را بیان کرده است: نخست کفار و پیروان آنان سپس مؤمنان. بنابراین مقصود از ضمیر «کم» در آیه، همه انسانها و یا همه جن و انس نیست بلکه مراد، مشرکان و منکران معاد هستند.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، آیه ۷۱ سوره مریم، جهنم، ورود، ان منکم الا واردها.

^۱ دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ دانشگاه فردوسی مشهد

۱. بیان مساله

خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن (حدود ۱۲۰۰ آیه) درباره حوادث پس از مرگ و معاد که مقصد نهایی آدمی است، سخن گفته است. یکی از این آیات، آیات ۶۸ تا ۷۳ سوره مریم است که در آن می فرماید: *فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ... وَ إِنَّ مِنْكُمْ إِيَّاهَا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا*. مفسران فریقین در تفاسیر خود در باره مرجع ضمیر «کم» در «إِنَّ مِنْكُمْ» دیدگاه های متفاوتی را بیان کرده اند، از جمله آن که بر اساس دیدگاه غالب مفسران، همه انسان ها پس از محشور شدن، جهنم را درک می کنند، اما این سؤال مطرح می شود که چگونه افراد با ایمان باید جهنم را درک کنند. مقالات و منابع مرتبط با این سوره بیشتر به اسلوب و سبک زیبایی شناختی این سوره و یا معرفی شخصیت حضرت مریم پرداخته ولی پاسخ قابل قبولی به سؤال مطرح در این مقاله ارائه نداده اند. مقاله بررسی تطبیقی آیه مذکور که در مجله مطالعات تفسیری در بهار ۱۳۹۴ به چاپ رسیده و در آن نویسندگان مقاله، ورود را در معنای اشراف و قرب دانسته و دیدگاه علامه طباطبایی را تأیید کرده اند. نگارندگان مقاله حاضر با بهره گیری از سیاق آیات این دیدگاه را نپذیرفته است. به علاوه این معنا با آیه بعد ناسازگار است. از این روبه نظر می رسد بازنگری و ارزیابی دیدگاه ها و رسیدن به تبیینی قابل قبول در باره این آیه، با بهره گیری از راهکارهای دیگر ضرورت می یابد. زمینه ها و عواملی که باعث ایجاد اشکال در آیه و خوانش های متفاوت از آن شده را می توان به دو دسته عوامل درون متنی و برون متنی تقسیم کرد:

۱. عوامل درون متنی:

- ضمیر «کم» در «منکم» که در ظاهر نوعی عمومیت را می رساند که از مصادیق آن مؤمنان و انبیا هم هستند.
- اختلاف دیدگاه ها در باره مفهوم «واردها»
- مرجع ضمیر «ها» در واردها

۲. عوامل برون متنی:

- تناقض این آیه با سایر آیات، اشکال را دو چندان می کند؛ چرا که در آیات دیگری از قرآن، خداوند گروهی از مؤمنان را از جهنمی شدن استثنا کرده است: *أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ* - فاطر/

۳۲- إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ- لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا
اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ- لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ (انبیاء ۱۰۱-۱۰۳)

- تعارض ظاهر آیه با عصمت اولیای الهی: براساس خوانش غالب مفسران ورود همه انسان‌ها به جهنم امری مسلم دانسته شده است؛ اما آیات و آموزه‌های دینی نشان می‌دهد که دلیل ورود به جهنم، ارتکاب جرم است؛ در حالی که معصوم، مصون از خطا و لغزش است و کاری که مستلزم ورود به جهنم باشد، انجام نمی‌دهد؛ بنابراین آنان نباید وارد جهنم شوند. عقل نیز ورود مؤمنان و انبیا و اولیای الهی به جهنم که خود نوعی عذاب و عقاب است را نمی‌تواند توجیه کند.

- آراء متفاوت مفسران: یکی از عوامل چالش برانگیز در آیه مذکور، اختلاف دیدگاههای مفسران در باره این آیه است. این مقاله ضمن بررسی دیدگاه‌ها و خوانش‌های مختلف از آیه مذکور با توجه به بافت کلام و بهره‌گیری از آیات هم‌مضمون تلاش کرده است به تبیین دقیق‌تر آیات دست یابد. گفتنی است به جز آن‌چه توسط مفسران در سده‌های گوناگون ذیل آیه مذکور مطرح شده، هیچ مقاله مستقلی یافت نشد. مقالات منتشر شده در باره سوره مریم غالباً به نظم، اسلوب، سبک شناسی و وجوه زیبایی شناختی سوره مریم و یا بعضی از آیات این سوره پرداخته‌اند.

۲. دیدگاه مفسران فریقین در باره آیه

در اینکه مخاطبان این آیه چه کسانی هستند و ضمیر «کم» در آیه به چه کسانی برمی‌گردد، دو دیدگاه کلی وجود دارد.

دیدگاه اول: مراد از «کم» عمومیت بنی آدم است از صنف انسان‌ها:

شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا، ۷/ ۱۴۲-۱۴۳) و مفسرانی مانند صادقی تهرانی (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱۸/ ۳۶۶) برآنند که تمامی اجناس و اصناف از موجودات مکلف در عالم هستی اعم از جن و فرشتگان و انسان مخاطب این آیه هستند. علامه طباطبایی، ملائکه را از این صنف جدا کرده و آنان را از شمول این آیه خارج نموده؛ زیرا اساساً فرشتگان مکلف نیستند و در قیامت حساب و کتابی نخواهند داشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۴/ ۱۲۵-۱۲۳). بسیاری از مفسران معتقدند که همه انسانها مخاطب این آیه اند

(چه خوبان و چه بدان) بدون استثنا وارد جهنم می شوند. اما در پاسخ به این سؤال که اگر خوبان و باتقویان بدون هیچ خطایی وارد جهنم شوند، چگونه با عدالت خداوند سازگار است؟ معتقدان به این دیدگاه به چند دسته تقسیم می شوند:

۱. برخی از مفسران برای پاسخ به این سؤال به معنای واژه «ورد» در آیه پرداخته و گفته‌اند: مقصود از "وارد" «رسیدن و اشراف» است، نه داخل شدن (طبری، ۱۴۱۲ق، ۸۵/۱۶؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۶/۸۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴/۹۱-۸۹؛ طوسی، بی تا، ۷/۱۴۲-۱۴۳).^۱ این گروه این معنا را بر اساس روایتی از ابن مسعود، حسن و قتاده مطرح کرده‌اند. هم چنین "ورد" در معنای رسیدن و نه داخل شدن در ادبیات عربی کاربرد داشته است: مثلاً در یکی از ضرب المثل‌های عربی آمده است که: «ان ترد الماء بماء اکیس» یعنی: اگر با دانستن آب به آب برسی، به احتیاط نزدیکتر است. زهیر از شاعران مخضرم گوید:

فلما وردن الماء زرقا جمامه وضعن عصی الحاضر المتخیم

یعنی: هنگامی که به آب صاف و زلال رسیدند، خیمه‌ها را بر سر پا کردند و در آنجا رحل اقامت افکندند.

در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که «وَرَدَ» در آنها به معنای داخل شدن نیامده است؛ مانند: آیه ۲۳ قصص: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدَیْنٍ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ یَسْتَقُونَ» (و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب می‌دادند) و آیه ۱۹ سوره یوسف «فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ» (پس آب‌آور خود را فرستادند و دلوش را انداخت)

۲. برخی دیگر از مفسران نوشته‌اند: «المراد بالورود هنا مجرد الرؤیة و المشاهدة لأن المؤمنین

عن النار مبعدون عقلا و نقلا» (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ۴۸۷/۳؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۲۳۱۸/۴)

نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ۲۰۷/۱۱، فخر الدین رازی، ۱۴۲۰ق، ۵۵۷/۲۱)

۱ - نویسندگان تفسیر أحسن الحدیث، ۳۵۰/۶؛ الکاشف، ۱۹۳/۵؛ همین نظر را پذیرفته‌اند: «المراد بالورود هنا الرؤیة و المشاهدة» در التفسیر المبیین، ۴۰۳/۱ آمده «المراد بالورود هنا مجرد الرؤیة و المشاهدة لأن المؤمنین عن النار مبعدون عقلا و نقلا»؛ تفسیر روان جاوید، ۴۸۷/۳؛ فی ظلال القرآن، ۲۳۱۸/۴؛ إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن، ۳۱/۱؛ انوار درخشان، ۴۰/۱۰؛ تفسیر آسان، ۲۰۷/۱۱؛ تفسیر القرآن الکریم (شبر)، ۱/۳۰۴؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۳؛ مفاتیح الغیب، ۵۵۷/۲۱



البته این دو دیدگاه مخالفانی دارد مخالفان معتقدند که: «ورد» به معنای مشاهده و یا اشراف با آیه بعد (۷۲/مریم) که می‌فرماید: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (سپس کسانی را که تقوا پیشه کردند از آن نجات می‌دهیم و ستمکاران را هم چنان به زانو درآمده، در آن رها می‌کنیم) مناسب نیست، چرا که «نجات» و «رها کردن» وقتی معنا پیدا می‌کند که ورودی درکار باشد. علامه طباطبایی این اشکال را چنین پاسخ می‌دهد که «نجات متقین از آتش مستلزم این نیست که داخل آتش شده باشند، زیرا با دور کردنش از مهلکه نیز صادق است، و اگر کسی را که مشرف به هلاکت شده از هلاکت دور کنیم او را نیز نجات داده‌ایم» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۴/۱۲۵-۱۲۳). سیوطی نوشته است: «و أخرج عبد الرزاق و ابن المنذر عن قتادة في قوله: وَ إِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا قَالَ هُوَ الْمَرَمُ عَلَيْهِمَا. (سیوطی؛ ق ۱۴۰۴، ۲۸۱/۴) ۳. برخی از مفسران ورود همه انسانها به جهنم را قطعی می‌دانند ولی برخلاف دو دیدگاه پیشین، «ورود» را به معنای «داخل شدن» گرفته‌اند نه اشراف و حضور و مشاهده.^۱ (نک به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۳/۱۲۰-۱۱۹ / طبرسی، ۱۳۷۷ش، ۴/۵۶، زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/۳۴، فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۱/۵۵، حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۸/۲۱، صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱۸/۳۶۶، آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۸/۴۳)

مطابق این دیدگاه همه انسانها اعم از نیک و بد، داخل جهنم می‌شوند، اما دوزخ بر نیکان سرد و سالم خواهد بود، همانگونه که آتش نمرود بر ابراهیم (ع) سرد شد آنجا که می‌فرماید: «یا نارُ کونی برداً و سلاماً علی إبراهیم» (انبیاء/۶۹). این دسته از مفسران دلایلی برای این دیدگاه اقامه کرده اند:

أ جمله «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا» (سپس پرهیزگاران را نجات می‌دهیم) همچنین جمله «نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا» (ستمگران را در آن و می‌گذاریم) در آیه ۷۲ سوره مریم، شاهد برای این معنی است؛ زیرا نجات و رها کردن پس از داخل شدن معنا پیدا می‌کند.

۱ - سیوطی: و أخرج الحاكم عن ابن مسعود انه سئل عن قوله وَ إِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا قَالَ وَ ان منكم الا داخلها و. أخرج البيهقي في البعث عن ابن عباس في الآية قال لا يبقى أحد الا دخلها (الدر المنثور في تفسیر المأثور، ج ۴، ص: ۲۸۱)

ب. این گروه معتقدند احادیث «مرور» به معنای عبور همه انسانها از جهنم، به دلیل مخالفت با قرآن و سنت پذیرفته نمی‌شود و باید تأویل شود زیرا: «واردها» و «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا» و «نَذَرُ الظَّالِمِينَ» شاهد صدق بر دخول است و عذاب و یا رحمت و رها کردن ظالمان، در عبور از جهنم نیست؛ پس همه جن و انس وارد جهنم می‌شوند، خداوند فرموده: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (هود/ ۱۱۹) و «ملیء» به معنای پر کردن بدون استثناء متقین آمده است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱۸/ ۳۶۷)

ج. روایات متعددی که در تفسیر آیه رسیده است، این معنی را تقویت می‌کند: از جمله از "جابر بن عبد الله انصاری" چنین نقل شده که شخصی از او درباره این آیه پرسید، جابر با هر دو انگشت به دو گوشش اشاره کرد و گفت: مطلبی با این دو گوش خود از پیامبر (ص) شنیدم که اگر دروغ بگویم هر دو کر باد! می‌فرمود: «الورود»: الدخول، لا یبقی بر ولا فاجر إلا یدخلها فیکون علی المؤمنین برداً و سلاماً کما کانت علی ابراهیم حتی ان للنار- او قال لجهنم- ضجيجاً من بردها: ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا: "ورود در اینجا به معنی دخول است یعنی هیچ نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه داخل جهنم می‌شود، آتش در برابر مؤمنان سرد و سالم خواهد بود، همانگونه که بر ابراهیم بود، تا آنجا که "آتش" - یا "جهنم" - (تردید از جابر است) از شدت سردی فریاد می‌کشد، سپس خداوند پرهیزگاران را رهایی می‌بخشد و ظالمان را در آن ذلیلانه رها می‌کند". (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق / ۳۵۳-۳۵۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق / ۴/ ۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸/ ۲۴۹).

آ. آیاتی که در آنها «ورد» به معنای «دخل» است. مانند: آیه ۹۸ سوره هود. ثعلبی در ذیل آیه مورد بحث، نظر اهل سنت را بیان کرده و می‌نویسد: «فَأَمَّا أَهْلُ السَّنةِ فَإِنَّهُمْ قَالُوا: یَجُوزُ أَنْ یُعَاقِبَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْعَصَاءَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِالنَّارِ ثُمَّ یُخْرِجُهُمْ مِنْهَا وَ قَالُوا: معنی الورد الدخول و احتجوا، بقول الله سبحانه حکایه عن فرعون یَقْدُمُ قَوْمَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَأُورِدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ «هود/ ۹۸» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۶/ ۲۲۵).

۴. برخی دیگر از مفسران مخاطب آیه را همه انسانها می‌دانند ولی معتقدند که اشراف و یا داخل شدن در جهنم مقصود نیست بلکه مراد از آیه، عبور همه انسانها از پل صراط است. چنانکه از



ابن مسعود و حسن بصری آمده که مراد، عبور بر صراط است، زیرا پلی بر روی آتش دوزخ کشیده شده است. (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ۴ / ۵۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق، ۱ / ۳۲۲؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ۸ / ۴۷۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۵ / ۵۷۲).

مجلسی در این زمینه معتقد است که «اعتقادنا فی الصراط أنه حق و أنه جسر جهنم و أن علیه ممر جميع الخلق قال الله عز و جل «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» و الصراط فی وجه آخر اسم حجج الله فمن عرفهم فی الدنيا و أطاعهم أعطاهم الله جوازاً على الصراط الذى هو جسر جهنم يوم القيامة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸ / ۷۰). خوبی در منهاج البراعه در باره آیه شریفه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» و «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» می نویسد: «هما صراطان صراط فی الدنيا و صراط فی الآخرة، فأما الصراط فی الدنيا فهو الامام المفترض الطاعة من عرفه فی الدنيا و اقتدى بهداه مرّ على الصراط الذى هو جسر جهنم فی الآخرة، و من لم يعرفه فی الدنيا زلت قدمه عن الصراط فی الآخرة فتردى فی نار جهنم.» (هاشمی خونی، ۱۴۰۰ق، ۶ / ۱۳).

بنابراین دیدگاه دو صراط وجود دارد یک صراط در دنیا و دیگری در آخرت و صراط دنیا امام مفترض الطاعة است و صراط آخرت پلی است بر روی جهنم که محل عبور جمیع خلائق است و کسانی که امام خود را شناسند در جهنم سقوط خواهند کرد. در باره کیفیت عبور از صراط از سعد بن مسلم از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده که: «قال: سألته عن الصراط فقال: هو أدق من الشعر و أحد من السيف، فمنهم من يمرّ عليه مثل البرق، و منهم من يمرّ عليه مثل الفرس و منهم من يمرّ عليه ماشياً، و منهم من يمرّ عليه حبوا و منهم من يمرّ عليه متعلّقاً فتأخذ النار بعضه و تترك بعضه.» (همان). شبیه این روایت در جامع البیان طبری و تفسیر مراغی و تفسیر ابن کثیر و... از ابن مسعود آمده است. ثعلبی نوشته است: قالت المرجئة: لا يدخلها مؤمن و اتفقوا على أن الورود هو الحضور و المرور (الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۲۲۵).

^۱ - روی السدی عن ابن مسعود قال: «يرد الناس جميعا الصراط، و يقومون حول النار، ثم يصدرون عن الصراط بأعمالهم، فمنهم من يمر مثل البرق، و منهم من يمر مثل الريح، و منهم من يمر مثل الطير، و منهم من يمر كأجود الخيل، و منهم من يمر كأجود الإبل، و منهم من يمر كعدو الرجل...» تفسیر المراغی، ج ۱۶، ص: ۷۵ و جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۸۵ و تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۵، ص: ۲۲۵

۵. برخی از مفسران با استناد به مرجع ضمیر «ها» در «واردها» ورود همه انسانها را حتمی می‌دانند اما نه به جهنم، بلکه ورود به مرحله قیامت و معتقدند که ضمیر «ها» در (واردها) به قیامت برمی‌گردد. این دیدگاه با استناد به روایتی از ابن مسعود که گفته است: الضمیر فی (واردها) للقیامة، بر آن است که در این صورت، نه با آیه: لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا «انبیاء/ ۱۰۱» معارض است و نه عبور از آن فضیلتی خواهد بود نسبت به دخول در آن،.... (نک به: ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص: ۳۵۳). بر اساس این دیدگاه، همه انسان ها ورود به مراحل قیامت را درک می‌کنند برخی به جهنم رفته و برخی دیگر نجات می‌یابند.

۶. مفسرانی که مخاطب را همه انسانها می‌دانند ولی معتقدند که: مقصود آیه، عبور همه افراد از دنیا و برزخ است نه دوزخ.

با این استدلال که «درکات و درجات جهنم در آخرت واقع شده است و داخل جهنم نمی‌شود مگر کسی که از دنیا و از عقبات برزخ خارج شده باشد و به اعراف رسیده باشد، قبل از این مراحل، کسی داخل آتش نمی‌شود و تا این وقت، درهای جهنم بسته است. اهل بهشت پس از رسیدن به اعراف چیزی جز فعلیت مناسب با بهشت در آنان باقی نمی‌ماند، پس آنان داخل آتش نمی‌شوند. دنیا نمونه‌ای از جهنم است، اخلاق مذموم و اوصاف بد، خواسته‌های نفس و رنج‌ها و دردها از فوران جهنم است و برزخ از یک جهت جهنم دنیا و از یک جهت بهشت دنیا است، همه کسانی که بر اعراف وارد می‌شوند بر جهنم وارد می‌شوند. به این معنا که آنان جهنم را می‌بینند،... همه باید از برزخ عبور نمایند چه با اختیار و چه با اضطرار و لیکن عبور با تفاوت اشخاص و احوال متفاوت است.» (خانی‌رضا و حشمت‌الله ریاضی، ۱۳۷۲ش، ۹ / ۱۱۶ - ۱۱۷ با اندکی تصرف، صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ۱ / ۳۱).

در آیه ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا: می‌فرماید: سپس از این محیط جهنمی، افرادی را که در طول زندگی، خودشان را آلوده نکرده و با صفات روحانی تربیت و رشد دادند، نجات می‌دهیم که در این صورت با کمال خوشی و آزادی و نورانیت از منازل عالم طبیعت عبور می‌کنند و برای همیشه سر بلند و در آسایش خواهند بود. (مصطفوی؛ ۱۳۸۰ش، ۱۳ / ۳۱۶). حقی بروسوی در این باره می‌گوید:

«لا شكّ عند اهل المعرفة ان جهنم صورة النفس الامارة ففي الدنيا يرد كل من الأنبياء والأولياء و المؤمنين و الكافرين هاوية الهوى بقدم الطبيعة لكن الأنبياء لكون نفوسهم من المطمئنة يجدونها حامدة»



و اما الأولیاء فیردون علیها و هی ملتبهه ثم یجهدون الی ان یطفئوها بنور الهدی و یتحق بهم بعض المؤمنین و هم المعفو عنهم و لا یمر هؤلاء الطوائف الجلیله بالنار فی الآخرة فلا یحترقون بها أصلاً و اما الکفار فلما کان کفرهم کبریت الهوی فی الدنیا فلاجرم یدخلون النار فی الآخرة و هی ملتبهه فیقون هناك محترقین مخلّدين و یتحق بهم بعض العصاة و هم المعذبون لكنهم ینخرجون منها بسبب نور تقواهم عن الشرک و قال ابن مسعود و الحسن و قتاده و رودها الجواز علی الصراط الممدود علیها و ذلك لانه لا طریق الی الجنة سوی (حقی بروسوی، بی تا، ۵ / ۳۵۰-۳۵۱؛ نیز نک به: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱۸ / ۳۶۸).

چنان‌که پیامبر(ص) فرموده است: «إن الحمی حظ کل مؤمن من النار: تب بهره همه مؤمنان از آتش دوزخ است. (تا در آخرت از آن ایمن باشد). (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۶ / ۸۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۴ / ۲۸۲). مجاهد که با استناد به همین روایت از رسول اکرم (ص) گفته است: ورود مؤمن، در آتش، همان تبی است که در دنیا بر بدن او وارد می‌شود، تب از چرک (و جراحات) جهنم است.

دیدگاه دوم: ادعای نسخ

برخی از مفسران قائل به نسخ اند؛ به این معنا که آیه ۷۱ سوره مریم - وَ إِن مِّنْکُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّکَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا - با آیه ۱۰۱ سوره انبیاء: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ - لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ... (انبیاء ۱۰۱-۱۰۳) نسخ شده است: (بحرانی، ۱۳۷۴ش، ۳ / ۷۲۶؛ قمی، ۱۳۶۷ش، ۲ / ۵۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳ / ۳۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۰ / ۱۱).

دیدگاه سوم: مخاطب فقط مشرکان و کفار و پیروان آنان است: این دیدگاه مرجع ضمیر را دوزخ و مخاطب را مشرک و کافر دانسته است. آنها فقط وارد دوزخ می‌شوند. طرفداران این دیدگاه به قرائت ابن عباس که: وَ إِن مِّنْهُمْ^۱ خوانده‌است و روایت عکرمه (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ۳ / ۱۹) استناد کرده‌اند.

۳-۱: بررسی دیدگاه‌های مفسران

^۱ - و أخرج ابن جریر و ابن ابی حاتم و ابن الأنباری و البیهقی فی البعث عن ابن عباس انه قرأ و ان منهم الا واردها یعنی الکفار قال لا یردها مؤمن کذا قرأها (سیوطی ۱۴۰۴ق، ۴ / ۲۸۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶ / ۸۵).

اگر ورود به معنای دخول در جهنم باشد و ضمیر «کم» به جمیع خلائق برگردد، در این صورت سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه اهل تقوا از زیان آتش در امان خواهند بود؟ مفسران شیوه‌های مختلفی را برای پاسخ به این سؤال به کار بسته اند از جمله:

۱. تبدیل اثر آتش: مانند آن چه در باره سرد شدن آتش برای ابراهیم گزارش شده، است، مطابق این دیدگاه، اهل تقوا وارد جهنم می‌شوند، ولی آتش برد و سلام می‌شود و تأثیرش سلب می‌شود؛ یعنی اثر طبیعی آتش که سوزاندن است از آن گرفته می‌شود.

۲. تقلیل و سلب اثر: به معنای سلب اثر برای انبیا و تقلیل اثر برای مؤمنان. نویسندگان تفسیر نمونه می‌نویسند: نمره ایمان و تقوای آدم هر چه باشد، ضریب تأثیر این آتش متفاوت می‌شود (مکارم، ۱۳۷۴ش، ۱۳ / ۱۲۰-۱۲۱). بر اساس این دیدگاه، منظور از آیه ۷۱ این است که سر راه همه انس و جن، جهنم قرار دارد و برای رسیدن به بهشت باید از آن بگذرند اما متقیان، ائمه، انبیاء و اولیای خدا در گذر از جهنم عذاب نمی‌شوند و در حصن و حصار الهی قرار دارند تا به بهشت برسند.

۳. قرار دادن راه‌هایی امن بدون آتش: یعنی هیچ مانعی نیست بر این که خداوند در خلال آتش راه‌هایی را خالی از آتش، مختص مؤمنان و متقیان قرار دهد تا از آن عبور کنند (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ۴ / ۵۰۳).

براساس این دیدگاه که خداوند با سرد کردن و سلب اثر آتش و یا تقلیل آن، یا قرار دادن راه‌هایی بدون آتش و امن، با تقوایان را نجات می‌دهد، سوال مطرح این است که داخل شدن یا اِشراف با تقوایان و مؤمنان بر آتش و سپس سرد شدن آن چه دلیلی دارد و چه فایده ای بر آن مترتب است؟ اگر قرار بر سرد شدن است چرا مسیر دیگری برای عبور آنان قرار نمی‌دهد؟

هرچند برخی به بیان فوایدی برای ورود همه انسانها به دوزخ پرداخته‌اند از جمله اینکه مومنان با دیدن آتش قدر تفضل خدا و نعیم بهشت را بیشتر می‌دانند و خوشحال و مسرور می‌شوند، همچنانکه با نشان دادن بهشت و نعمت‌های آن به دوزخیان عقوبتشان سخت‌تر و حسرتشان بر فوت بهشت و نعیم آن بیشتر می‌شود. (ر.ک به طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵۲۶/۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ۳/ ۴۸۸)

۱ - مانند روایت جابر که در صفحه ۳ از نظر گذشت



« مشاهده دوزخ و عذاب‌های آن، مقدمه‌ای خواهد بود که مؤمنان از نعمت‌های خداداد بهشتی حداکثر لذت را ببرند، چرا که (قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید) و بالاضداد تعرف الاشياء. و از این گذشته، دوزخیان نیز از مشاهده این صحنه که بهشتیان با چنان سرعتی به سلامت می‌گذرند و آنها می‌مانند، مجازات بیشتری می‌بینند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۳/ ۱۲۰-۱۲۱؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ۱۱/ ۲۱۰ و ۲۱۱)

صاحب ریاض السالکین در باره فائده ورود همه انسانها به جهنم چند وجه ذکر کرده از جمله: آن یزدادوا سروراً إذا رأوا الخلاص منها. افتضاح الکافرين إذا أطلع المؤمنون عليهم. أنّ المؤمنین یوبّخون الکفار و یسخرون منهم، کما سخروا منهم فی الدنيا. أنّ یزید التذاذهم بالجنّة و نعیمها، فبضدها یتبین الأشياء. (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۵/ ۱۱۷ و حقی بروسوی، بی تا، ۵/ ۳۵۰-۳۵۱). بنابر این دیدگاه تنها دلیل ورود به جهنم گناه نیست گاه ورود به جهنم به دلیل دیدن عذاب دیگران است. اما این پاسخ نیز مناسب به نظر نمی‌رسد، زیرا با توجه به توصیفی که از جهنم شده، دیدنش علاوه بر این که عذاب است، مستلزم وهن نیز هست؛ چرا که اطلاع از حال عذاب شوندگان، مستلزم ورود به آنجا و هم مکانی نیست، بلکه می‌توانند از طریق دیگری عذاب دوزخیان را ببینند.

در روایتی دیگر جابر از حضرت رسول اکرم (ص) روایت نموده که: «سئل عنه فقال إذا دخل أهل الجنة الجنة قال بعضهم لبعض أليس قد وعدنا ربنا أن نرد النار فيقال لهم قد وردتموها و هي خامدة.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸/ ۲۵۰، کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۵/ ۴۴۵، سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۴/ ۲۸۱). ترجمه: بعضی از بهشتیان می‌پرسند که حق سبحانه ما را وعده فرموده بود که «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاْرِدُهَا» چگونه بود که ما آتش را ندیدیم؟ ملائکه گویند: شما وارد شدید، اما آتش به سبب نور ایمان شما فرو نشست.

طبق این گزارش -به شرط صدور- بهشتیان متوجه عبور از جهنم نمی‌شوند، بنابراین فائده‌هایی که گفته شد، اصلاً حاصل نخواهد شد. به علاوه، این حضور و اشراف و مشاهده دوزخیان برای لذت بیشتر از بهشت، می‌تواند بعد از مستقر شدن در بهشت باشد. چنانکه در بحارالانوار از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: پیامبر (ص) به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: ... آنگاه که وارد بهشت شدید و با همسرانتان مستقر شدید و در منازلتان جای گرفتید، خداوند به مالک - خزنه جهنم - امر می‌کند که: «درهای جهنم را باز کن تا اولیاء من بنگرند به فضیلتی که ایشان را بر دشمنانشان داده‌ام». درهای جهنم باز می‌شود و

شما بر آنها مشرف می‌شوید. (مجلسی؛ ۱۴۰۳ق، ۸ / ۳۵۵ ح ۸). طبق این روایت، اشراف مؤمنان بر جهنم و جهنمیان، بعد از استقرار مؤمنان در بهشت است نه قبل از آن و در هنگام عبور از صراط. این سؤال همچنان مطرح است که چگونه مؤمنان و با تقوایان داخل جهنم می‌شوند و یا برآن اشراف پیدا می‌کنند؛ در حالی که خداوند در سوره انبیاء آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ» و «لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا» در حالی که لازمه داخل شدن یا اشراف و مشاهده، نزدیک شدن و شنیدن صدای آتش و یا دیدن جهنم است و گرنه این حضور، فایده‌ای نخواهد داشت و این خود باعث تعذیب و عقاب مؤمنان است. برخی در پاسخ گفته اند: «آیات سوره انبیاء مربوط به جایگاه دائمی و قرارگاه همیشگی مؤمنان است و مؤمنان در بهشتی که جایگاه دائمی آنان است از جهنم دورند و صدای شعله های آن را نمی‌شنوند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۳ / ۱۲۰-۱۱۹) اما دلیلی برای این نظر ارائه نشده است و این دوری از جهنم و شعله‌های آتش آن، برای متقیان و مؤمنان باید قبل از استقرار در جایگاه دائمی شان در بهشت باشد و اگر ضمیر «کم» به همه انسانها چه مؤمن و چه کافر برگردد، معنای مشاهده و اشراف برای کافران معنا نخواهد داشت، زیرا دخول آنها به جهنم حتمی است، حتماً مقضیاً. سوال دیگر این است که اگر ورود به معنای دخول در جهنم باشد، پس تکلیف پیامبران و اوصیای ایشان چه می‌شود؛ آیا آنها نیز وارد جهنم خواهند شد؟ از جمله پاسخ‌ها این است که: «ارواح قدسیه رسولان و اوصیاء علیهم السلام که واجد قدس روح و طهارت خلقی و عصمت عملی هستند از خطاب آیه (إِنَّ مِنْكُمْ لِرِجَالًا وَارِدُهَا) بطور تخصیص خارج خواهند بود» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۰ / ۴۰۶) ابو الفتح رازی نوشته است: عموم آیت اقتضای آن می‌کند که هیچ کس نماند از پیغامبران و امامان و صدیقان و شهیدان و صالحان الا در دوزخ شوند و آنگه بیرون آیند و این خلاف اجماع است. (ابو الفتح رازی، ۱۴۰۸ق ۱۳ / ۱۰۸؛ تعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۶ / ۲۲۵). فإن قيل: فهل يدخل الأنبياء النار؟ قلنا: لا نطلق هذا و لكن نقول: إن الخلق جميعا يردونها- كما دل عليه حديث جابر- فالعصاة يدخلونها بجرائمهم، و الأولياء و السعداء لشفاعتهم، فبين الدخولين بون .. (نک: طنطاوی، بی تا، ج ۹، ص: ۶۱، تفسیر القرطبی ج ۱۱ ص ۱۳). بررسی دیدگاهها در این باره نشان می‌دهد که آن دسته از مفسرانی که «ورد» را به معنای «دخل» گرفته‌اند، نتوانسته‌اند دلیل قانع کننده‌ای برای تخصیص پیامبران، امامان، شهدا و... از حکم آیه ارائه دهند.



اگر معنای اشراف و حضور را برای «ورد» در نظر بگیریم و بخواهیم تکلیف پیامبران و امامان را جستجو کنیم به روایاتی می‌رسیم که بیشتر با عبور از صراط منطبق است که همان معنای اشراف و حضور را نیز می‌رساند، از جمله شیخ صدوق گزارش می‌کند که: «پیامبر(ص) به امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: یا علی چون روز قیامت شود من و تو و جبرئیل می‌نشینیم بر صراط و نمی‌گذرد بر صراط مگر کسی که براتی داشته باشد به ولایت و محبت تو» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۷۰). شیخ صدوق می‌نویسد: اعتقاد ما در باره صراط اینست که آن حق است و آنکه آن راه و جسر-پل- جهنم است و گذار کل خلق بر آن است حق تعالی فرمود، احدی از شما نیست مگر آنکه وارد شونده جهنم است ... (صدوق، ۱۳۷۱ش، ص ۸۶).

اگر مقصود از ضمیر «ها» در «واردها» پل صراط باشد و «ورد» به معنای عبور از پل صراط باشد باز هم در این معنا پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) جزو عبورکنندگان از پل صراط نخواهند بود، بلکه بر اساس روایتی آنها آنجا نشسته‌اند و حضور و اشراف دارند. روز قیامت، راه به سوی بهشت مانند پلی است که مردم از آن می‌گذرند و آن صراطی است که رسول خدا (ص) طرف راست آن می‌ایستد و امیرالمؤمنین (علیه السلام) طرف چپ آن و ندایی از جانب خداوند تعالی به آنان می‌رسد که: اَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِید (سوره ق / ۲۴) (همان، ص ۸۶).

اما اگر «ورود» به معنای اشراف و حضور باشد و ضمیر «ها» به آتش دوزخ برگردد، می‌توان گفت که پیامبر (ص) و امامان نیز اشراف بر آتش جهنم دارند اما با توجه به تفاوت جایگاه و رتبه پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع)، بعید به نظر می‌رسد که ایشان در این اشراف و حضور همراه همه انسانها -باتقوایان و بی تقوایان- باشند. بنابراین حتی اگر «ورود» که ریشه وارد در آیه مذکور است به معنای اشراف و حضور باشد، نمی‌توان پیامبران و اولیای الهی را داخل در عمومیت حکم آیه دانست و روایت فوق از پیامبر(ص) که خبر از نشستن ایشان و مولا علی(ع) بر پل صراط می‌دهد، بر این تفاوت جایگاه و رتبه و عدم همراهی با انسانها اشاره دارد.

ازسوی دیگر، روایات مربوط به صراط نیز مختلف است که بررسی صحت و سقم آنها مجال دیگری می‌طلبد؛ مثلاً در روایتی از امام حسن عسگری(ع)، راه مؤمن به سوی بهشت، صراط مستقیمی است که به سوی جهنم راهی ندارد. بنابراین بهشتیان جهنم را هنگام عبور نخواهند دید. (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص

۳۳، ح ۴). در برخی منابع از ابن مسعود آمده که همه مردم بر صراط وارد می شوند که با توجه به اعمالشان از آن عبور خواهند کرد. روایاتی نیز از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) قبلاً از نظر گذشت، خود امام مفترض الطاعه و مولا علی (ع) به عنوان صراط مستقیم معرفی شده‌اند. (صفار؛ ۱۴۰۴ق، ج ۱؛ ص ۷۹، ص ۱۰۶). بنابراین در باره مقصود از صراط و طریق یاد شده که بر متن دوزخ نصب می‌شود و همه اهل محشر باید از آن عبور کنند و صراطی که مستقیم است و فقط مؤمنان و متقیان از آن عبور کرده و به بهشت می‌روند و اولیاء الله آن جا نشسته و بر آن اشراف دارند، اختلاف بسیار است. در نتیجه، نظر آن دسته از مفسران که آیه ۷۱ / مریم را مربوط به عبور همه انسانها از پل صراط می‌دانند، نمی‌تواند صحیح باشد.

بررسی آیات این مجموعه در کنار هم و با بهره‌گیری از آیات دیگر قرآن که اولیای الهی را از آتش بعید دانسته و با استفاده از عقل - که ورود به جهنم را نوعی عذاب و خلاف عدالت تلقی می‌کند - به نظر می‌رسد مخاطبان آیه، فقط مشرکان و منکران معاد باشد و ضمیر در «منکم» به مشرکان و کفار یا منکران معاد برگردد.^۱ این معنا با محتوا و غرض سوره که بشارت و انذار است و هم با سیاق آیات سازگار بوده و پاسخ گوی شبهات مطرح شده نیز هست. مقصود آیه این است که خداوند خطاب به آنان می‌فرماید: همه شما - منکران معاد - وارد دوزخ خواهید شد. در این راستا با توجه به آیات ۶۸ به بعد سوره مریم، می‌توان تفسیری مناسب ارائه کرد:

از آیه «ثُمَّ لَنُخْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا» (مریم/۶۸) استفاده می‌شود که تنها طبقه خاصی هستند که نخست اطراف جهنم گرد آورده می‌شوند. (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۵، ص: ۱۹۶-۱۹۵) که به سوی جهنم سوق داده می‌شوند و سپس در کنار جهنم به زانو در آمده حاضر می‌شوند «ثُمَّ لَنُخْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا» (مریم/۶۹) ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (مریم / ۶۹) از هر گروهی از آنان که پیرامون جهنم هستند، آنهایی که سرکشتر و عاصی تر - اشد علی الرحمن عتیاً - هستند را به زور جدا می‌کنیم. ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلَا مَرِیمَ/۷۰: ما به این که چه کسانی سزاوار سوختن در آتش اند، آگاه‌تریم. آن گاه روی سخن را به این دسته جدا شده کرده می‌فرماید «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» چنانکه خداوند فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (۱۴۰):

^۱ - و قال أبو داود الطيالسی: قال شعبۃ: أخبرني عبد الله بن السائب عن سمع ابن عباس يقرأها وإن منهم إلا واردها یعنی الکفار «(۴) انظر تفسیر الطبری ۸/ ۳۶۶» تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۵، ص: ۲۲۴



النساء) و همچنین خطاب به آنان فرموده‌اند: «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ» (۹۸: الأنبياء). بنابراین ورود به جهنم، فقط برای اهل کفر و شقاوت، نه همه جن و انس قضای حتمی است؛ پس صحیح نیست بگوییم مومنان و انبیاء و اولیاء که همواره در راه خدا و به حب لقاء الله تلاش و کوشش کرده‌اند، در اولین دیدار به جهنم وارد می‌شوند. در حالی که خداوند فرموده‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا (انبیاء/۱۰۱) کسانی که به نیکی ما رسیده‌اند، از جهنم دورند و صدای آن را نمی‌شنوند و فرمود: وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَفَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (۱۰۱-۱۰۳: الأنبياء) اما ثم در آیه بعد: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» .. عطف بر آیه قبل نیست بلکه معطوف به آیه: «فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۖ» است که در آن جایگاه؛ از هر گروهی که در اطراف جهنم حاضر می‌شوند اهل شقاوت و سرکش ترینشان به بلا و عذاب گرفتار می‌شوند و همگی وارد جهنم خواهند شد (خطیب، عبد الکريم، بی تا، ج ۸، ص: ۷۵۹-۷۵۷) و در آیه: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» برای متقین، نجات از آتش جهنم است؛ چنانکه فرمودند: «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (انسان/۱۱) ابن‌عاشور در التحرير و التنوير می‌گوید: «بعد از جدا کردن کسانی که سزاوارترند برای آتش از سائر طوائف کفر، عطف بر آن می‌کند که جمیع طوائف شرک داخل آتش می‌شوند، برای دفع این توهم که گروه دوم گمان نکنند که عذاب فقط به بزرگانشان می‌رسد و آنان در آتش فداء پیروانشان می‌شوند و پیروان از عذاب دور می‌مانند می‌فرماید: بلکه خداوند با جمله ثم لنزعهنهم من کل شیعه.... پیروانی که سرکش تر بودند را نیز مشمول همان عذاب بزرگان دانسته و بر همه آنان عذاب را واجب کرده است. و این نظیر این آیه است که فرمود: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ» (الحجر: ۴۲، ۴۳ نک به: ابن‌عاشور، بی تا، ۱۶/ ۶۹-۷۱)

اما جمله ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا به معنای این نیست که با تقویان را از میان عذاب شوندگان نجات می‌دهد؛ بلکه بدین معناست که آنها را که در اطراف جهنم گرد آورده است از ورود به آتش نجات می‌دهد، این معنا با سیاق سازگارتر است. چنانکه در صدر کلام فرمود: «فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ» (مریم: ۶۸) و نیز فرمود: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثَةً» (مریم:

۸۵، ۸۶)، و این آیات صراحت دارد بر اختلاف حشر دو گروه مومنان و منکران. منکران و پیروان سرکش آن ها جهنمی خواهند شد و مؤمنان نجات یافته و رستگار خواهند بود. توجه به سیاق آیات این معنا را تایید می کند. ابن شهر آشوب می گوید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» خطاب به کسانی است که در آیات قبل سخنشان بود که «وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ إِلَى قَوْلِهِ... صِلِيًّا. إِنَّهُ يَحْضَرُهُمْ حَوْلَهَا جَنَّتِيَا وَ إِنَّهُ يَنْزِعُ مِنَ الَّذِينَ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا وَ إِنَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ق، ۲/۱۰۷)



نتیجه‌گیری

مقصود از ضمیر «کم» در آیه ۷۱ سوره مریم نمی‌تواند همه انسانها و یا همه جن و انس باشند زیرا:

۱- اشراف و حضور همه انسانها اعم از با تقویان و مشرکان و ظالمان و... بر دوزخ با توجه به روایاتی که راه عبور متقین و مومنین را صراطی به سوی بهشت می‌داند که به جهنم راه ندارد و نیز با توجه به روایت جابر و روایت امام صادق (ع)^۲ که خبر از عدم اشراف و اطلاع بهشتیان از احوال جهنم و جهنمیان قبل از استقرار در بهشت می‌دهد، نمی‌تواند صحیح باشد.

۲- اشراف و حضور و مشاهده جهنم و یا داخل شدن در آن و سپس سرد شدن جهنم بر مومنان و متقین، فاقد فایده است. بلکه خود نوعی عذاب است و فایده‌هایی که برخی از مفسران آورده‌اند همچون لذت بیشتر از بهشت و نعمتهایش و شکرگزاری خداوند، می‌تواند بعد از استقرار در بهشت و مشاهده از راه دور نیز محقق شود و نیازی به عبور از دوزخ و یا اشراف بر آن و یا مشاهده آن از روی پل صراط نیست.

۳- اگر مقصود آیه، همه انسانها و یا همه جن و انس باشد، ورود همه انبیا و اولیای الهی به جهنم با مقام عصمت ایشان منافات خواهد داشت و اگر «ورد» را به معنای اشراف و حضور بگیریم به این معنا که اشراف و حضور ایشان از مرتبه و جایگاه برتری است، دلیلی بر این تفاوت در اشراف وجود ندارد.

۴- اگر همه انسانها اعم از متقین و غیر متقین را مقصود آیه بدانیم، با آیات دیگر قرآن از جمله آیات شریفه «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (۱۰۱-۱۰۳: الانبیاء) منافات خواهد داشت؛ زیرا در این آیه خداوند اهل ایمان و تقوا را از جهنم و حتی شنیدن صدای شعله‌های آتش و هر چیزی که مستلزم حزن و اندوه است دور می‌داند.

بنابراین مقصود از «کم» با توجه به سیاق، ائمه کفر و شرک و پیروان آن هستند از هر گروهی که سرکش ترین هستند. این نظر هم با محتوا و غرض سوره که انذار و تبشیر است، سازگار است و هم با سیاق آیات و لازمه آیه شریفه «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا». اینگونه نیست که حتما، دخول

^۱ - روایت امام حسن عسکری (ع) ص ۹ مقاله

^۲ - ص ۷ مقاله

و یا اشرافی بر جهنم باشد و بعد نجات یابند؛ بلکه نجات متقین از همین دنیا به سبب اعمالشان تضمین شده است و این آیه بشارتی است به اهل تقوا، برای رهایی و نجات آنها از آتش جهنم و اندازی است برای ظالمان.



منابع:

- ۱- قرآن کریم، ترجمه فولادوند
۳. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ناشر: مشهور، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹ ش
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت، ناشر: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، إعتقادات الإمامیه (للسدوق)، چاپ دوم، قم، ناشر: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق
۶. -----، إعتقادات الإمامیه (للسدوق)، ترجمه حسنی، چاپ اول، تهران، ناشر: اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۷. -----، معانی الاخبار، محقق: غفاری علی اکبر، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ ق
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، تحقیق: بامقدمه علامه شهرستانی، چاپ اول، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۱۰ ق
۹. ابن عاشور محمد بن طاهر، التحرير و التنویر، بی جا، بی نا، بی تا
۱۰. ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق
۱۱. ابن عجیبه احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق: احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، ناشر: دکتر حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ ق
- ۱۱- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، ناشر: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق
- ۱۲- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات بعثت، ۱۴۱۶ ق
- ۱۳- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق: تصحیح محمد علی شاهین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق

- ۱۴- ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، چاپ: اول، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربی؛ ۱۴۲۲ ق
- ۱۵- ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق
- ۱۶- حسینی شیرازی، تبیین القرآن، چاپ دوم، بیروت، ناشر: دارالعلوم، ۱۴۲۳ق
- ۱۷- حقی بروسوی اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، ناشر: دارالفکر، بی تا
- ۱۸- خانی رضا / حشمت الله ریاضی، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادۀ، چاپ: اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور؛ ۱۳۷۲ ش
- ۱۹- خطیب عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بی جا، بی نا، بی تا
- ۲۰- زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ: سوم، بیروت، ناشر: دار الکتاب العربی؛ ۱۴۰۷ ق
- ۲۱- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت- قاهره، ناشر: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق
- ۲۲- سیوطی جلال الدین، الدر المثور فی تفسیر المأثور، قم، ناشر: کتابخانه آیۀ الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق
- ۲۳- صادقی تهرانی محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم؛ قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش
- ۲۴- -----، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ اول، قم، ناشر: مولف، ۱۴۱۹ق
- ۲۵- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محقق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، چاپ دوم، قم، مکتبه ایه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۶- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم ۱۴۱۷ق
- ۲۷- -----، ترجمه تفسیر المیزان؛ موسوی همدانی سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ ش



- ۲۸- طبرسی فضل بن حسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم ، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
- ۲۹- -----، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: رضا ستوده، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش
- ۳۰- -----، جوامع الجامع، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش
- ۳۱- طبری ابو جعفر محمد بن جریر ؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن ، چاپ اول، بیروت، ناشر: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق
- ۳۲- طوسی محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیرعاملی ، بیروت، دار احیاء التراث العربی ، بی تا
- ۳۳- طنطاوی سید محمد ،التفسیر الوسیط للقرآن الکریم ، بی جا، بی نا، بی تا
- ۳۴- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم ، قم، ناشر: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق
- ۳۵- فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر ، مفاتیح الغیب ، چاپ سوم ، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق
- ۳۶- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- ۳۷- قرشی سید علی اکبر ، تفسیر احسن الحدیث ، چاپ سوم، تهران، ناشر: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش
- ۳۸- قمی، عباس، سفینه البحار، چاپ اول، قم، ناشر: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- ۳۹- قمی علی بن ابراهیم، تفسیر قمی ، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم ، ناشر: دار الکتاب ؛ ۱۳۶۷ ش
- ۴۰- کاشانی ملا فتح الله ، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، ناشر: کتابفروشی محمد حسن علمی؛ ۱۳۳۶ ش

- ۴۱- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، چاپ اول، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ۴۲- کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، چاپ اول، تهران، ناشر: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- ۴۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۴۴- محیی الدین، درویش، اعراب القرآن و بیانه، چاپ چهارم، سوریه، ناشر: دارالارشاد، ۱۴۱۵ ق
- ۴۵- مراغی احمد بن مصطفی، تفسیر المراحی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ بی تا
- ۴۶- مصطفوی حسن، تفسیر روشن، چاپ: اول، تهران، ناشر: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش
- ۴۷- مغنیه محمد جواد، تفسیر الکاشف، چاپ: اول، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ ق
- ۴۸- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش
- ۴۹- نحاس ابوجعفر احمد بن محمد، اعراب القرآن (نحاس)، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق
- ۵۰- نجفی خمینی محمد جواد، تفسیر آسان، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ق
- ۵۱- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق
- ۵۲- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ق.
- ۵۳- هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه کتاب سلیم، چاپ اول، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۶ ق.
- ۵۴- نرم افزار جامع التفاسیر نور
- ۵۵- نرم افزار جامع الاحادیث نور